

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تقدیم می کند

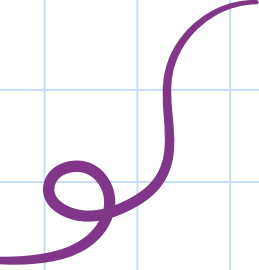
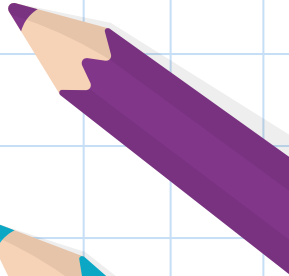


هدیه ی کارگاه ریاضی پایه اول

ارائه دهنده: فاطمه فیض آبادی



جمهوری اسلامی ایران
وزارت آموزش عالی



من کی ہستم؟





مربی :
حسینیه کودک
معلم:
پایه اول دبستان

وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
وَاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَالْوَانِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ
لَآيَاتٍ لِلْعَالَمِينَ

سوره روم، آيه ٢٢





فصل ۴ مفهوم گوشه



داستان از این قرار است؛ که نقاشک (زرافه ی داخل کتاب ریاضی که از دوستان زنبوری است.) می خواهد گوشه های کندوی زنبوری را نقاشی کند. اما نمی داند کندوی زنبوری چند گوشه دارد و زنبوری هم نمی دانست گوشه یعنی چه؟ نقاشک به زنبوری قاب عکس، برگ و بشقاب را نشان داد و توضیح داد که به چه چیزهایی گوشه گفته می شود. بعد از بیان داستان اشکال هندسی و مفهوم گوشه در اشکال را بیان می کنیم.

فصل ۵ معرفی ردیف و ستون

عکس ستون های خانه ها و ویلاهای مختلف را به بچه ها نشان می دهیم و از آن ها نام آن را می پرسیم. به بچه ها می گوئیم ستون از بالا به پایین کشیده می شود و اگر روی زمین باشند، دیگر ستون نیست. پس از جا افتادن مفهوم ستون، در مورد ردیف و این که خلاف ستون است توضیح می دهیم.



فصل ۱۳ مفهوم جمع

طرح درس
شماره ۳

درباره ی مفهوم جمع با ایده میهمانی رفتن و میهمانی گرفتن شروع کردیم. ابتدا با بچه ها در مورد میهمان و میهمانی و منزل اقوام و دوستان صحبت می کنیم. بعد به آن ها می گوییم که امروز زنبوری و مادر و پدرش می خواهند منزل شما میهمان شوند؛ تعداد اعضای خانواده شما چند نفر است؟ مثلا ۴ نفر (عدد ۴ را اول می نویسیم) خانواده زنبوری هم ۳ نفر هستند، (عدد ۳ را می نویسیم) خب حالا این علامت را می گذاریم تا تعداد همه را با هم حساب کنیم. (علامت + را بین اعداد می گذاریم و همه نفرات را می شماریم). خانواده زنبوری را ابتدا میهمان خانه همه بچه ها می کنیم. سپس خود بچه ها به منزل همدیگر و دوستانشان می روند و عبارات عددی بیشتری ساخته می شود.



$$\begin{array}{r} ۴ + ۲ = \\ ۲ + ۳ = \\ ۳ + ۴ = \\ ۶ + ۳ = \\ ۵ + ۵ = \\ ۴ + ۶ = \\ ۷ + ۳ = \end{array}$$

فصل ۱۴ مفهوم تفریق

طرح درس

شماره ۴

برای تبیین مفهوم تفریق نخست علامت تفریق را خم می‌کنیم و شبیه به سرسره می‌کشیم و به بچه‌ها می‌گوییم، امروز قرار است به پارک اعداد برویم. بچه‌ها نگاه کنید چند نفر بالای سرسره ایستادند و هنوز سوار سرسره نشدند مثلاً ۱۰ نفر اما تعدادی هم بعد از سرسره قرار گرفته‌اند یعنی از بالا سر خورده‌اند و به پایین رفته‌اند مثلاً ۴ نفر، به نظر شما چند نفر هنوز ماندند و منتظر هستند؟

$$۸ - ۳ =$$

$$۶ - ۴ =$$



فصل ۱۵ مفهوم دسته

طرح درس

شماره ۵

دستی چهار تایی و ۳ یکی ۱۲

دستی شش تایی و ۶ یکی ۱۲

دستی سه تایی و ۳ یکی ۱۲

دستی پنج تایی و ۵ یکی ۱۲

در زمان اربعین خاله به بچه ها این پیشنهاد را داد که خیالی با هم در پیاده روی اربعین شرکت کنند، قرار شد همه ی دخترها کوله هاشون رو جمع کنند و سوار ماشین اردوی مدرسه بشوند و با هم تا مرز بروند، بعد از عبور از مرز هم پیاده سفرشون رو شروع کنند.

بچه ها اعلام آمادگی کردند و هم زمان عکس مینی بوس نشون داده شد و قرار شد بچه ها در دسته های دوتایی قرار بگیرند تا بتوانند کنار هم بر روی صندلی ها بنشینند، با این داستان بیان مفهوم دسته شروع شد، برخی از بچه ها انتخاب کردند که در کنار کدام دوستشان بنشینند و دسته ی دوتایی تشکیل دهند، مجدد تصمیم گرفتیم که بین راه پیاده شویم و ناهار بخوریم، قرار شد بچه ها در دسته های سه تایی هر کدام مسئول انجام کاری شوند، یک دسته سیب زمینی ها را در کنار رودخانه بشویند، یک دسته ی سه نفره ی دیگر آتش روشن کنند و یک دسته ی سه نفره ی دیگر در کنار ماشین بمانند تا یکدیگر را گم نکنند، با تقسیم بندی های مختلف به بهانه های گوناگون، مفهوم دسته از طریق تکرار برای بچه ها تثبیت شد.

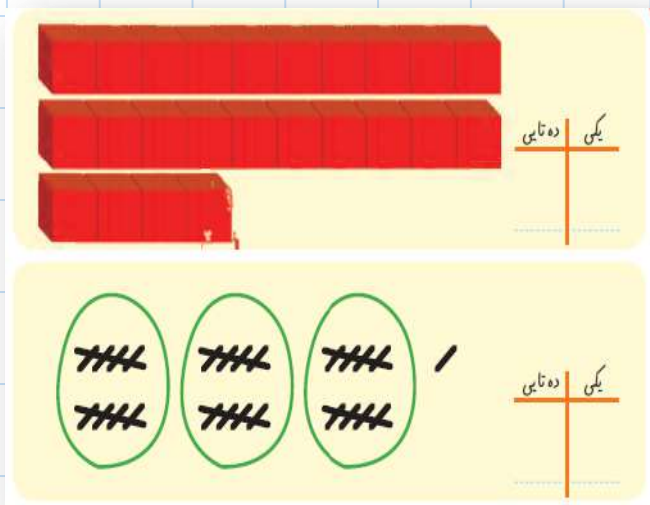
روزی از روزها در یک سرزمینی تنها دو مسافرخانه وجود داشت، مسافرخانه ی آقای یکی و هتل آقای ده تایی، مسافرخانه ی آقای یکی نه تا اتاق یک نفره داشت و هتل آقای ده تایی ده تا اتاق داشت که هر اتاقش را فقط به ده نفر کرایه می داد، نه کمتر و نه بیشتر!

روزی از روزها کدخدای شهر تصمیم گرفت که مسابقه ی ورزشی بزرگی داخل شهرشان برگزار کند، برای تمام ورزشکارها دعوت نامه فرستاد و آن ها را به شهرشان دعوت کرد. روز مسابقات، ورزشکارهای هر شهری دسته دسته می آمدند، اگر زیر ده نفر بودند به مسافرخانه ی آقای یکی می رفتند و اگر ده نفر بودند یک دسته می شدند و وارد هتل آقای ده تایی می شدند.

کدخدای شهر برای این که ورزش کارها اشتباه نکنند، قوانین هتل و مسافرخانه را روی یک تابلوی بزرگ نوشت و دستور داد که بر سر در ورودی شهر بزنند.

چون ورزشکارها اشتباه می کردند! مثلا وقتی یازده نفر بودند، می رفتند هتل آقای ده تایی اما آقای ده تایی نمی توانست قبولشان کند و می گفت: من فقط ده نفرتون رو می تونم قبول کنم و اون یک نفر می تونه بره مسافرخونه ی آقای یکی!

حالا بچه ها شما بگین، اگر دوازده نفر ورزشکار وارد شهر بشن باید چکار کنن؟



فصل ۱۸ مفهوم محور

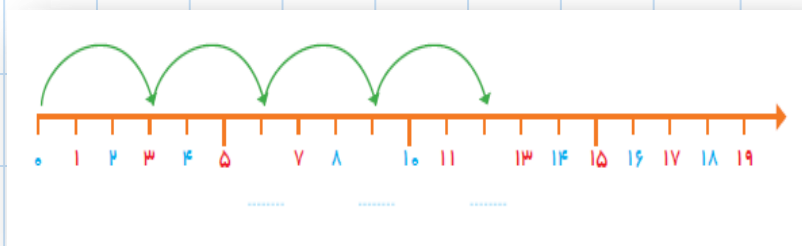
طرح درس

شماره ۷



آموزش محور در ابتدا با این داستان شروع شد که زنبوری امروز گل هایش را گم کرده و نمی تواند عسل درست کند، می خواهیم به او کمک کنیم. حالا برای این که بتواند گل هایش را پیدا کند باید مطابق با این نقشه ی راه بر روی این مسیر که به آن محور گفته می شود حرکت کند.

لازم است مسیری شبیه گیم برد طراحی کنیم که به محور هم شباهت داشته باشد. عبارت جمع یا تفریقی به بچه ها می دهیم که با حرکت روی مسیر بتوانند، حاصل را بیابند. مانند: $4+2=?$ پس از یافتن پاسخ، زیر عدد ۶ را نگاه می کنند و یک گل پیدا می شود. به همین ترتیب اعداد مختلف را مثال می زنیم تا کار با محور برای بچه ها سهل و ساده شود.



الحمد لله رب العالمين

